

فرا شدن از تبلیغ تا تبیین در

تاریخ نگاری جنگ / دفاع مقدس

علیرضا کمره‌ای*

دریایی ایران در زمان «خشیارشا»ست. آن چه بعدها در روایات یونانی / غربی، علیه شرق به قلم دیگر مورخان جاری شده به تاسی از نقلیات هردوت، گزنفون، توسیدید و دیگران در صورت یک گزاره تبلیغاتی سیاسی ظاهراً متقن، با نام «فتح معنویت و آزادی غرب در مقابل مادیت و استبداد شرق» وانمود گردید و آوازه یافت.

به اتکا و مدد همین روایات، عقل یونانی، محور و مرکز دانش و اندیشه‌ی جهانی قلمداد شد و در مقام استعلائی خرد و فرهنگ و تأثیرگذار و الهام‌بخش سایر ملل نشست. بیش از دو هزار و پانصد سال از زمان این‌گونه گزاره‌ها و دیگرگون‌نمایی‌ها می‌گذرد، مع الوصف جای شگفتی است تکاپوی ایرانیان برای پاسخ‌گویی به امواج ترهات غربی سابقه‌چندانی ندارد و حتی هنوز قدر و ارج آثاری هم چون یونانیان و بربرها نوشته شادروان امیر مهدی بدیع پس از سال‌ها از زمان تألیف که به تازگی مجلدات کامل ترجمه فارسی آن در دست انتشار است شناخته و دانسته نیست. پس از رهایی ایران از استیلای جانشینان اسکندر گجستک و دوستداران تمدن هلنی با وجود کشاکش‌هایی که گاه و بیگاه میان شرق و غرب - ایران و روم - در وسعت هزار سال به وقوع پیوست، جز سنگ‌نگاره‌ها و کتیبه‌ها و نقل افواه و روایات اسطوره‌گون و افسانه‌ای، اثر

(۱) فحوص و بحث درباره‌ی تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاشته‌های جنگ هشت‌ساله ایران و عراق / دفاع مقدس و بازجست شیوه‌های آزمون و ارایه شده در آثار انتشار یافته «مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه»، بی‌نیاز از ورود اشاره‌وار به مقولات مقدم بر آن نیست. مفروض و مقدر آن است که خواننده به صرف عنایت به عنوان این نوشتار پیشاپیش تصور بالنسبه روشنی از «تاریخ» و «جنگ» و مباحث مترتب بر آن از جمله «تاریخ جنگ»، «جنگ در تاریخ» و «دانش‌ها و روش‌های پژوهش و نگارش تاریخ جنگ» در ذهن دارد. گفته شده است جنگ از عناصر پایه‌ای تاریخ است. بلکه این عبارت چندان ناموجه و غریب نیست که هرگاه واژه تاریخ به خاطر خطور می‌کند جنگ به یاد می‌آید. مؤید این سخن را می‌توان آشکارا در مصادیق موضوعه یعنی آثار و متون تاریخی مشاهده کرد.

«هردوت» پدر تاریخ، پدیدآورنده‌ی اولین کتاب در آغاز اثر خود تصریح می‌کند که قصد او از نگارش تاریخ، ثبت و ضبط کارهای برجسته‌ی قوم و تبار خویش و هم‌چنین مردم آسیا و جلوگیری از خطر فراموشی خاطرات روزگاران است. اما موضوع و محتوای اصلی و هدف واقعی هردوت نوشتن جنگ‌های ایران و یونان از زمان داریوش اول، یعنی برخورد دو تمدن شرق و غرب آن روز جهان و در نهایت شکست نیروی

* پژوهشگر و نویسنده

با وقوع جنگ هشت ساله، خودباوری به مثابه‌ی تجربه‌ای توأمان و پیوسته و هم‌بسته‌ی دفاع در ذهن و ذائقه‌ی تاریخی ایران زنده شد.
تفاوت این تجربه‌های پیشین، مهم‌ترین سبب و انگیزه نگارش و ثبت لحظه‌های جنگ بوده است.

مکتوب به‌جا باقی نمانده و آن‌چه ذیل کی‌نامه‌ها، کارنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و امثال آن در منابع تاریخی فرهنگی ادوار بعد - از قبیل فهرست ابن ندیم - نام و نشانی در خور ذکر یافته‌اند، منحصر به خزانه اسناد پادشاهان و فرمانروایان بوده و رواج و رونق عام نداشته است.

۲) ایام العرب، شفاهیتی بود که عرب دوره‌ی جاهلی، مفاخرات و تعصبات قومی و قبیله‌ای خود را از طریق آن به نسل‌های بعد انتقال می‌داد. محتوای غالب ایام العرب، بیان برتری جویی‌ها و کارزارهای خونین بود و نقل آن‌ها در بسیاری از مواقع جنبه‌ی سرگرمی داشت. پس از ظهور اسلام در شبه جزیره‌ی عربستان تعبیر «یوم» برای شرح وقایع مهم و فتوحات به کار آمد. مبتنی بر سنت حفظ و روایت حدیث و به خاطر داشت سیره و انساب، سلسله‌غزوات با عنوان «مغازی» و ماجراهای هجوم و نبرد به حدود و ثغور سرزمین‌های هم‌جوار برای گسترش بلاد اسلامی در قالب نام «فتوح» اولین گونه‌ها و شگردهای تاریخ‌نگاری جنگ را در تاریخ عربی اسلامی به منصفی ظهور آورد. اندک اندک در پی پیدایش واقعات، وقعه یا واقعه‌نویسی و مقتل‌نگاری و نظایر آن نیز در دیگر سرزمین‌های مفتوح مطمح نظر اصحاب قلم و کتابت قرار گرفت. شرح قیام‌ها یا خروج که پس از تفوق قدرت قاهره‌ی خلافت و ناهمسازی‌ها میان مردم و سربازان خلیفه و امیر رخ می‌نمود، چهره و رخدادی دیگر از برای تاریخ‌نگاری جنگ و مقابله بود.

۳) در فاصله‌ی زمانی نگارش تاریخی بلعمی که به نظر برخی صاحب‌نظران ترجمه‌ای آزاد از تاریخ طبری است و نسخ‌التواریخ سپهر، یعنی دوره‌ای تقریباً هزار ساله، با آن‌که ستیز، مجادله، هجوم و مقابله، فصل مشترک و تقریباً بلاانقطاع کتاب‌ها و گزارش‌های تاریخی به‌شمار می‌رود، تاریخ‌نگاری

جنگ به صورت و سامانی مستقل و شناخته‌شده، در تاریخ‌نگاشته‌های فارسی به ظهور و بروز نرسید. شاید نزد برخی وجود کتاب‌هایی با عنوان «ظفرنامه»، «جنگ‌نامه» از جمله ظفرنامه تیمور، جهانگشای نادری، تاج‌التواریخ خواجه حسنجان اصفهانی که سیاهه نام آن‌ها در جلد سوم فهرستواره کتاب‌های فارسی احمد متزوی، به ضبط آمده است و رساله "آداب الحرب و الشجاعه" فخر مدبر که اساساً مشتمل بر اخلاقیات جنگاوری و آداب و آرایش میدان جنگ و اسب‌شناسی است، نافی این سخن به نظر آید. اما واقعیت امر بر این حقیقت ناشیرین دلالت دارد که عمده کتاب‌هایی از این دست رانه در شمار تاریخ و تاریخ‌نگاشته‌ها، که در زمره‌ی آثار ادبی، وصفی و تبلیغی (و به تعبیر خوشایندتر، ادبیات حماسی تاریخی یا حماسه‌های مصنوع) می‌توان جای داد. حتی نزد مورخان متأخر از جمله عبدالرزاق دنبلی در مائراسلطنیه و اعتمادالسلطنه در تاریخ منتظم، رویدادهای آشکار و تلخ جنگ‌های یازده‌ساله ایران و روس در عهد فتحعلی شاه قاجار میدان قلم‌فرسایی و جولانگاه خیال‌ورزی است و نه آینه راست و روشن وقایع تاریخی. پسند و روایت شاه از این واقعه همان بود که بر زبان و قلم ملک‌الشعرا دربار، فتحعلی خان صبا - جاری می‌شد. با این حال، این واقعه، که ابتدا و ابتدای تاریخ معاصر ایران را رقم زد، ضرورت توجه به علوم و فنون جدید و دانش‌های نظامی را فریاد آورد و الزام به واقع‌بینی موجب توجه به تاریخ‌نگاری باروش‌های تحقیق جدید و آشنایی با کار و کرد فرنگیان گردید.

از آنجا که ترقی روسیه پس از پطر کبیر نظر عباس میرزا - ولیعهد - را به خود جلب کرده بود، کتاب پطر کبیر اثر ولتر برای او ترجمه شد. هم‌چنین کتاب‌هایی در باره‌ی ناپلئون که شرح جنگاوری‌های او مایه‌ی اعجاب شده بود و "تاریخ انحطاط و

ورود به وادی تاریخ نگاری جنگ همچون نحوه‌ی مواجهه با جنگ، امری حادث بود که در گذر زمان و توالی وقایع به مرور سامان گرفت و گام به گام پیش رفت. در واقع، درک واقعیت جنگ، ضرورت توجه تاریخ‌گرایانه و تاریخ‌شناسانه به جنگ را ایجاب و ایجاد کرد. در نتیجه، تاریخ‌نگاری جنگ و شکوفایی آن تحت تأثیر نفس الامر و جنس واقعه به وجود آمد.

ناتوانی، مانع دست‌اندازی قوای درگیر به مرزهای وطن و بالتبع آثار سوء بر اوضاع اقتصادی و اجتماعی و سیاسی نشد و عده‌ای از ناموران را که به نجات ایران از سلطه‌ی روس و انگلیس می‌اندیشیدند به همراهی و همدلی آلمان و عثمانی برانگیخت. این خیال خام سودی در بر نداشت، جز این که حزن در خود و سوءظن نسبت به دشمن را بیش‌تر کرد. به دنبال خروج نیروهای اشغالگر، موضوع جنگ به‌مرور از یادها دور شد و نقل مدافعان وطن و جوشش عالمان در رفع سلطه‌ی دشمن در جنوب سال‌ها بعد به‌گفت و نوشت آمد و تحت تأثیر فضای ایجادشده متأثر از خوی نظامی رضاخان پهلوی کتاب‌هایی چند از جمله "جنگ بین‌المللی" نوشته‌ی سرلشگر محمد نجف‌نور و "تاریخ نظامی جنگ بین‌الملل" ترجمه‌ی احمد وثوق و نمونه‌هایی معدود از آثار ادبی مرتبط با جنگ، که شاید مهم‌ترین آن‌ها کتاب "خونهای ایران یا عشق و شکیبایی" نوشته‌ی علی اصغر شریف باشد، منتشر شد. پس از گشایش فضای سیاسی به دنبال وقایع شهریور ۱۳۲۰، انتشار آثار مربوط به تاریخ جنگ اول کم‌وبیش ادامه یافت که از آن میان کتاب "ایران در جنگ بزرگ" مورخ‌الدوله سپهر بیش‌تر شناخته شده است.

وقوع جنگ جهانی دوم و آمدن متفقین به ایران و تبعید رضاخان به جزیره‌ی موریس بیش‌تر و پیش‌تر از آن‌که به‌منابه‌ی یک رویداد ناشی از جنگ به نظر آید، به‌منزله‌ی یک واقعه‌ی سیاسی تقریباً خوشایند تلقی شد که خبر از پایان دوران خشونت و دیکتاتوری می‌داد. در عین حال گرفتاری‌های پیش‌بینی نشده این ماجرا گریبان‌گیر مردم و حکومت نوپای ایران گردید و پایان یافتن اشغال نواحی آذربایجان و رفع بلاهای جنگ تا سال‌ها پس از آن به‌طول انجامید. مع‌الوصف، این واقعه نیز هم‌چون دفعات مکرر در تاریخ ایران جز آن‌که

زوال امپراتوری روم" ادوارد گیبین ترجمه و انتشار یافت. در مدرسه‌ی نوبنیاد دارالفنون نخستین مواد درسی بیش‌تر در پیوند با دانش‌های نظامی و تجربی بود و کرزیر - معلم اتریشی این تعلیم‌خانه -، تاریخ جنگ‌های معروف را تدریس می‌کرد. مع‌هذا پس از رخدادهایی که اعتبار این آموزشگاه نوبنیاد را از نظر ارباب قدرت، خصوصاً ناصرالدین شاه دور کرد، کم‌رنگ شدن خاطره‌ی جنگ‌های ایران و روس، اعتنا به تاریخ جنگ در اذهان اولیای امور رو به فراموشی نهاد. اسف‌بارتر این که ترقی سریع صنعتی غرب و پیشرفت جنگ‌افزارها و افزایش توان نظامی و توأمان شدن آن با ترفندهای سیاسی و حقوقی اسلحه‌دپلماسی و اهتمام به مطالعات و تبلیغات فرهنگی از رهگذر فعالیت‌های شرق‌شناسی و نظریه‌سازی‌های استعماری فرهنگی که در آثار و اظهارات امثال جیمز موریه و کنت دوگوبینو انعکاس می‌یافت، میدان ناشناخته و ناآزموده‌ای فراروی رجال این دوران گشود و همین امر آنان را در مواجهه با دو لایه‌ی تمدن بورژوازی غرب و دسیسه‌های پیچیده‌ی انگلیسی و روسی دچار پریشانی و توهم کرد. غرب نه فقط به قوت باروت سلاح‌های آتشین، بلکه به مدد جوهر اندیشه‌ی تفوق‌جویانه خود، در میدان جنگ فعال مایشا بود.

بدیهی است در وضعیت بغرنج نبود اندیشه و مشی منسجم و منضبط دفاعی و جنگی در عرصه‌ی نبرد، فرهنگ، سیاست، به طریق اولی پیدایش تاریخ‌نگاری جنگ منتفی است. در فاصله این رویدادها و در میانه‌ی آن‌ها انقلاب مشروطه تا وقوع جنگ جهانی اول، و مدت‌ها پس از آن در خاطر شمار معتابیهی از روشنفکران و درس‌آموختگان به‌مرور یاد قرون شکوه و عظمت باستانی ایران جان گرفت و منظری برای توجه به تاریخ و تاریخ‌نگاری ایران گردید. در پی بروز جنگ جهانی اول ایران اعلان بی‌طرفی کرد، اما این موضع‌ناگزیر و ناشی از

اندیشه‌ی انتظار منفعلانه برای ظهور شخصیت‌های منجی که هم‌چون اردشیر ساسانی نزد مردمان، دارنده‌ی قدرت خداوندی و فره‌ایزدی شمرده‌آیند تا بتوانند تن‌های فرسوده و مانده‌را در برابر دشمن به تکان و تکاپو برانگیزند (به مانند شاه اسماعیل صفوی و حتی نادر شاه افشار) نیز از نشانه‌های این فسردگی است. از این رو نبود آمادگی و پیشگامی برای مواجهه‌ی جدی با مهاجمان و پیش‌دستی بر آنان، تدریجاً به دفاع ناگزیر و پراکنده و غالباً کم‌دوام - حصار و خندق‌سازی و قلعه‌نشینی - بدل گشت و حتی سبب تجویز مامشات و مدارا با دشمن شد.

پس از سپری شدن دوره‌ی بهت ناشی از شکست عباس میرزا در مقابله با ارتش روس، زمینه‌های به خود آمدن و بیداری و تجدید حیات سیاسی و فرهنگی و یاد مجد روزگاران گذشته به وجود آمد که به مرور مفهوم و معنی جدید وطن و ملیت را در اذهان زنده کرد. در فرایند احیای اندیشه‌ی سیاسی در ایران این عهد، نقش عالمان دین و حتی پیشگامی و حضور آنان در مقابله با قوای اجنبی و هم‌روشنفکران و فرنگ‌آشنایان به منظور رفع استبداد داخلی یادکردنی است. انقلاب مشروطه ایران که حاصل اولیه‌ی این تحولات بود سرفصل سلسله قیام‌ها و نهضت‌هایی است که در سده‌ی اخیر به وقوع پیوست و نشانه‌هایی از جنگ و دفاع داشت و اهمیت توجه به تاریخ و گذشته ایران را در یادها زنده کرد. اکنون آیا شرف از پی‌روختی طولانی به اتکای فرهنگ و تاریخ خود به‌انتباه و هشیاری رسیده و در برابر «استکبار غرب» قد علم کرده است؟

۵) طرح مباحث نظری و روش‌شناسی تاریخ جنگ مبتنی و مستلزم‌ره‌یافت‌ها و راه‌کارهایی است که به اجمال و اختصار در پی می‌آید:

الف: پیشینه‌شناسی تاریخ‌نگاری جنگ از طریق مطالعه‌ی

بعاجل‌الحال محل توجه قرار گرفت، از منظر تاریخ و تاریخ‌نگاری محل اعتنا واقع نشد و به‌مرور در محاق فراموشی فرو رفت و انعکاس حوادث آن، عمدتاً در رمان‌های ترجمه‌شده و فیلم‌های سینمایی غربی به دیده و تماشای ایرانیان درآمد. اما برای جهان غرب، جنگ جهانی دوم مبنای بسیاری از تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سبب شکوفایی تاریخ‌نگاری جنگ گردید و تحقیقات و مطالعات گسترده‌را در همه‌زمینه‌ها و موضوعات دانش در پی داشت.

۴) از آن‌چه به اجمال گذشت ممکن است این پرسش به ذهن متبادر شود که چرا با وجود پیشینه‌ی دیرپای تمدنی و تاریخی در ایران و رویاروی بودن این خطه با قشون‌کشی‌ها و مهاجمات متعدد، جنگ و دفاع در تاریخ ایران لااقل به‌سان تاریخ‌های محلی و دودمانی موضوعیت مستقل و درخور توجه نداشته است. شاید پسند و پاسخ شایع ظاهر بینان، دلیل این عارضه را تنها به وابستگی تاریخ ایران و مورخ ایرانی به دستگاه قدرت و حکومت احاله کند و مرتبط داند، اما فقر اندیشه و آشفتگی در تفکر تاریخی موجبات دیگری دارد که از آن جمله نبود وحدت و ارتباط فراگیر و مستمر اجتماعی و سیاسی در قلمرو ایران، پراکندگی قدرت در دست مدعیان و منازعات متوالی آنان بر سر تصاحب موقعیت و مقام، وضعیت جغرافیایی و اقلیمی، تنوع و تعدد قومی و فرهنگی، بیش‌تر قابل توجه است. غلبه تدریجی تقدیرگرایی و رضا به داده دادن، چیرگی خیال بر خردورزی، انزواگرایی و جمع‌گرایی که نشانه‌های آن در ادبیات منظوم و منثور از قرن ششم به بعد بیش‌تر مشهود است و افسردگی‌های ناشی از ناامنی‌ها، و مخاطرات هجوم‌های مکرر و حملات شکننده که در واقعه ایلغار مغول به ایران، آثار مخرب آن تا قرون متمادی پایدار ماند در شناخت این وضع، شایسته‌ی توجه و تذکر است. چیرگی

**تاریخ‌نگاری جنگ تاکنون بیش تر به بررسی
پیدایش واقعه‌ای به نام جنگ و نگارش واقعه و
شناساندن فنون مربوط به واقعه‌نگاری جنگ
معطوف بوده است. اما سهم مباحثی که به
فرایند تاریخی شدن جنگ و کشف قوانین حاکم
بر آن اهتمام ورزیده باشند ناچیز است.**

اقتصاد، جغرافیای نظامی و موضوعات و مباحث اجتماعی است. در این میان شاید گسترده‌ترین عرصه‌ی شایسته‌ی توجه معطوف تاریخ فرهنگی و مسایل مربوط به آن باشد. معمولاً رونمای نظامی و عملیاتی جنگ، در جبهه و پشت جبهه، سبب غفلت (از) یا کم توجهی به ابعاد وسیع جنگ می‌شود. حال آن‌که هر یک از موضوعات مذکور ضمن آن‌که به طور مستقل از نظر تاریخی شایان تحقیق و مطالعه هستند، اجزا و فصول تاریخ کلان و جامع جنگ را شکل می‌دهند. پی‌ریزی شکل و قالب مناسب برای تاریخ و تاریخ‌نگاری جنگ، گذشته از شناخت و طبقه‌بندی و حصول منابع و مواد، نیازمند استقرار بر بنیاد اندیشه‌ای است تا در نهایت به صورت «متن در چارچوب زبان» عیان و عرضه شود.

۷) اهتمام به تاریخ و تاریخ‌نگاری جنگ در سپاه به ملاحظه‌ی آثاری که از ابتدا تاکنون عرضه کرده است، اساساً در فضای روایت واقعه و به شکل گزارش نبرد و متأثر از گرایش‌ها و باورهای سیاسی، اعتقادی، ایدئولوژیک و اقتضائات و مناسبات زمان آغاز شد. گرچه شواهد نشان می‌دهد روایتگری جنگ و روایت روایان و جمع‌آوری مواد تاریخی این رویداد بی‌اعتنا به مطالعه و بازجست‌ریافت‌های نظری و عملی نبوده است، و رود به این وادی هم چون نحوه‌ی مواجهه با جنگ امری حادث بود که در گذر زمان و توالی وقایع به مرور سامان گرفت و گام به گام پیش رفت. نکته در خور توجه این است که درک واقعیت جنگ نتیجتاً ضرورت توجه تاریخ‌گرایانه و تاریخ‌شناسانه به آن را ایجاب و ایجاد کرد. گراف نیست اگر گفته شود تعبیر تاریخ جنگ در سیر تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاشته‌های ایران به صورت موضوعی و مصداقی از این هنگام احیا شد و در میدان آزمون و عمل، متکی بر باور و جرأت و جسارت پای‌کاران این عرصه، به ظهور رسید.

متون و منابع تاریخی که در گستره‌ی میراث تاریخی و فرهنگی ایرانی و اسلامی به جای مانده است و نیز تأمل در پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی تاریخ‌شناسی و تاریخ‌نگاری.

ب: قرینه و نظیره‌شناسی یا بررسی جامع نمونه‌هایی از تاریخ‌نوشته‌ها و تاریخ پژوهی‌های جنگ در زبان‌ها و اقلیم‌های دیگر، خصوصاً جنگ در سده‌ی اخیر به ویژه جنگ‌های جهانی اول و دوم.

ج: هویت‌شناسی جنگ به منظور دست‌یابی به انگاره‌ها و معیارهای معرفت‌شناختی و دست‌یابی به وجوه افتراق و اشتراک میان انقلاب و جنگ / دفاع مقدس با دیگر انقلاب‌ها و جنگ‌های به هم پیوسته و پرهیز از کاربست بی‌چون و چرای نظریه‌های برآمده از دیگر جنگ‌ها و انقلاب‌ها که بعضاً مانع از درک درست و سبب سوء تفاهم می‌شود.

د: آشنایی با شیوه‌ها و شگردها، خصوصاً مکاتب تاریخ‌نگاری و تاریخ‌پژوهی غیر ایرانی و غیر اسلامی و مطالعات جهانی.

ه: نوع‌شناسی و بررسی تاریخ‌نگاری‌ها و تاریخ‌نگاشته‌های موجود از جنگ، با تأکید و توجه خاص بر آثار منتشر شده مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه.

۶) تاریخ‌نگاری جنگ و دفاع مقدس، به اقتضای وجوه شناخته‌شده‌اش در گستره‌ی مطالعات تاریخی و فرهنگی ایران و اسلام، از گذشته تا حال، گنجایش می‌یابد و در بازشناسی آن ضمن ملاحظه‌ی شقوق مرتبط و به هم پیوستگی رشته‌های متعدد دانش، پیوستگی و یک‌پیکرگی کلیت آن به چشم می‌آید.

تاریخ‌نگاری جنگ سه‌برش و مقطع را در بر می‌گیرد که عبارت است از: زمان وقوع واقعه و «پیش» و «پس» از آن. از نظر محتوا و موضوع، تاریخ جنگ مشتمل بر رویدادهای نظامی و نبرد، سیاست و دیپلماسی، رسانه‌ای و تبلیغاتی، علوم و فنون،

تاریخ نگاری جنگ، کارنامه‌ی جامعه‌ای خودباور است که حافظه تاریخی‌اش از تلخی شکست‌های مکرر و عقب‌نشینی‌های ناموجه و واگذاری خاک و خانه به دشمن، آزرده و زخمی نباشد.

جنگ نظر کرد. این اثر در زمان توزیع محل اعتنا و استقبال فراوان واقع شد و همین نیز خالی از اهمیت نیست - اما اکنون این اثر نه از حیث محتوا، بلکه به جهت شناخت شروع و سیر و سابقه و خاستگاه فکری و روشی پدید آمدن تاریخ‌نگاری جنگ اهمیت دارد. در فصل نخست این کتاب ذیل عنوان «برکت‌های جنگ»، «شرکت‌های سهامی جنگ تحمیلی صدام علیه انقلاب مکتبی و مردمی ایران» - یعنی دشمنان داخلی (لیبرال‌ها، منافقین و ...) و دشمنان خارجی و منطقه‌ای انقلاب - معرفی شده‌اند. در همین فصل به ضرورت «تکلیف» مدافعان انقلاب در «معارضه با مخالفین اسلام»، «نابودی قدرت‌های استیلاطلب شرق و غرب، زمینه‌سازی حکومت جهانی حضرت مهدی» اشاره شده است. مؤلفان در پایان فصل اول تصریح کرده‌اند که این کتاب «گزارش تحلیل‌گونه مختصری است از سیر جنگ از آغاز تهاجم عراق تا پایان نبرد بیت المقدس». س

فصل دوم کتاب در بردارنده همین گزارش تحلیل‌گونه از سلسله رویدادها و نبردهاست. فصل سوم شرح مواضع سیاسی و عملکرد کشورهای جهان و سازمان‌های بین‌المللی در قبال جنگ است. چند سال پس از چاپ این کتاب، انتشار کتاب «نبرد فاو» در سال ۶۶ آشکار کرد که مؤلف/مؤلفان در گزارش نبرد بر اساس مشاهدات راویان فارغ از تصریح و تأکید به آرمان‌های انقلابی (در ابعاد سیاسی و اعتقادی و تبلیغی) توانسته‌اند به اسلوبی قابل قبول و زبانی غیر نظامی و همه‌فهم دست یابند. یک سال بعد از این، نشر کتاب «جنگ در سال ۶۵» گرچه با اشکالاتی از ناحیه مسؤولان ارتش جمهوری اسلامی مواجه گشت، شیوه‌ی دقیق‌تری از رخدادهای جنگ را به بوته آزمایش گذاشت. از آن پس، نظر به دو تجربه نسبتاً موفق تاریخ‌نویسی جنگ که مبتنی بر نقل و روایت

شاید بتوان گفت کم‌دانی یا بی‌اعتنایی غیرارادی و بی‌ادعایی ناشی از روحیه‌ی انقلابی‌روندگان و فعالان این راه به داشته‌ها و دانسته‌ها و حساسیت‌های افراطی اهل نظر و درس‌خوانندگان رسمی تاریخ، در شکل‌گیری این جریان تأثیر بسزا داشت. نه فقط این توجه به هنگام و بی‌تأخیر مسبوق به سابقه نبود، بلکه به وجود آمدن جبهه‌ی دفاعی فعال در برابر هجوم همه‌جانبه‌ی دشمن، رخدادی بود که پس از قریب دو قرن غلبه‌ی حزن و افسردگی ناشی از عقب‌نشینی‌های مکرر در برابر مهاجمان یا مماشات با آنان به وقوع پیوست و باور به توانستن و برپای خود ایستادن و نشاط، مقاومت را زنده کرد. نتیجه‌ی عاجلی که می‌توان از قبول این نظر گرفت این است که تاریخ‌نگاری جنگ و شکوفایی آن تحت تأثیر نفس الامر و جنس واقعه به وجود می‌آید. به عبارت دیگر روحیه‌ی شکست‌خورده در میدان نبرد نمی‌تواند بانی تاریخ و دارنده‌ی آن باشد. از این حیث میان تاریخ، ادبیات و فرهنگ پیوندی سخت و نه چندان آشکار برقرار می‌شود. بر این منوال جبهه‌ی دفاعی انقلابی مردمی با نقش ویژه سپاه در وسعتی که امکان حضور و ایفای وظیفه - تکلیف - داشت نه فقط در مدیریت نظامی جنگ خوش درخشید بلکه توانست روایت این رویداد و ورود به ساحت تاریخ‌نگاری آن را بی‌توانا به اصحاب نظر به مثابه‌ی تاریخ‌پایه‌ای بنا گذارد چنان‌که «در مقایسه با بدنه‌ی اصلی تاریخ‌نگاری ایران معاصر پدیده‌ای کاملاً پیشرفته و متمایز بنماید.»

۸) پس از تمرین‌های مقدماتی و مشق گزارش‌نویسی نبرد که در نشریات سراسری و جزوات محدود انتشار چاپ می‌شد، دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با نشر کتاب «گذری بر دو سال» جنگ به مناسبت دومین سالگرد جنگ تحمیلی در شمارگان صد هزار نسخه، به افق تاریخ‌نگاری

چیرگی اندیشه انتظار منفعلانه برای ظهور شخصیت‌های منجی که بتواند تن‌های فرسوده و مانده را در برابر دشمن به تکان و تکاپو برانگیزد، از نشانه‌های افسردگی تاریخی جامعه محسوب می‌شود.

نمی‌تواند بی‌طرفی و مخالفت قطعی از تأثیر ذهنیات خود را در موضوع تحقیق ادعا کند... مرکز تلاش می‌کند علی‌رغم این‌که نمی‌تواند از نظر اعتقادی بی‌طرف باشد، از نظر علمی و خصلت تحقیقاتی، حتی المقدور بی‌طرفی پیشه کند....

مع‌الوصف نمی‌توان قطعی انگاشت که مبانی تاریخ‌نویسی جنگ از آغاز تاکنون و از این پس نیز، یکسان و ثابت باشد و از تأثیرات جانبی گفتمان‌ها و گفت‌وگوهای موجود و آتی، مصون و بری بماند؛ زیرا امر تاریخ‌نگاری جنگ چونان هر روند دیگر مقوله‌ای در حال تحول و دگرپس است.

تاریخ‌نگارستانه‌های جنگ از حیث قالب، گونه‌های متعددی را به نظر می‌رسانند که بنای عمده‌ی آن‌ها بر رویدادنگاری استوار است. آن گونه‌ها عبارت‌اند از: واقعه‌نگاری / شرح عملیات، سیرنگاری جنگ براساس توالی عملیات‌ها، بررسی ابعاد سیاسی (داخلی و خارجی) جنگ، روزشمار جنگ / کرنولوژی، تاریخ‌نگاری منطقه‌ای / اطلس راهنما، دستینه‌ها (هندبوک) / مختصرنویسی و جزوه‌نگاری جنگ، تحلیل و تبیین جنگ با رویکرد به پرسش‌ها و موضوعات (عمدتاً سیاسی) رخ نموده پس از جنگ. در این میان از نوع تاریخ‌نگاری جنگ با شاخصه‌های دفاعی مردمی و رعایت جنبه‌های اجتماعی کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" اثری است که در گونه‌ی خود منحصر به فرد می‌نماید. در عین حال مجموعه‌ی "روزشمار جنگ" مشتمل برشش مقطع در بیست کتاب و قریب به شصت مجلد در دست تهیه و انتشار، عظیم‌ترین کار و کوشش تاریخ‌نگاری جنگ سپاه به نظر می‌رسد.

نظری گذرا به مجموعه‌ی آثار منتشر شده در مرکز مطالعات جنگ سپاه از آغاز تا امروز، نشان‌دهنده‌ی سیر عینیت‌تألیف و فرا شدن از تبلیغ تا تبیین در تاریخ‌نگاری جنگ، بر محور

رویدادها یا گزارش عملیات بود، این تجربه در مجموعه کتاب‌های مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه به تدریج تکمیل شد و ادامه یافت.

نحوه‌ی پایان جنگ اگر چه برای همگان - و شاید دست اندرکاران روایت آن نیز - غیر مترقبه بود، در مهیا کردن زمینه‌های تبدیل تدریجی نقل‌دیده‌ها و شنیده‌ها به تاریخ‌گرایی جنگ تأثیر فراوان گذاشت. چنان‌که با مشاهده‌ی کارنامه‌ی مرکز تحقیقات و مطالعات جنگ سپاه می‌توان به این نتیجه رسید که تاریخ‌نگاری جنگ از مرحله‌ی شرح صرف واقعه به شناخت عمیق‌تر آن و توجه به مباحثی از زمره چگونگی و چرایی رویدادها و پیامدها و دستاوردها رسید و قدم به مرحله تحقیق گذاشت و پیدا و ناپیدا به ضرورت طرح مبانی نظری و تلاش برای یافتن قالب‌ها و ساختارهای مشخص نظر کرد. از جمله در مقدمه‌ی روزشمار جنگ ایران و عراق، جلد اول، آمده است: مرکز مطالعات و تحقیقات... از همان ماه‌های اول جنگ تحمیلی این بار سنگین را به دوش گرفت که این جنگ را همان‌گونه که هست درک کند و ضبط و ثبت نماید تا در زمان مناسب بتواند متون مرجع غیر قابل تحریف و انکاری برای تدوین و نشر تاریخ جنگ فراهم و ارایه کند... مرکز مطالعات در پی پاسخ هرچه دقیق‌تر و جامع‌تر و همه‌جانبه‌تر به این پرسش اساسی درباره‌ی جنگ تحمیلی است: جنگ چرا و چگونه شروع شد؟ چرا و چگونه تداوم یافت؟ و چرا و چگونه پایان گرفت؟ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ نمی‌خواهد و نمی‌تواند ارزش‌های مورد نظر خود را نادیده انگارد و اصولاً برای همین ارزش‌ها و حفظ آن است که به امر تحقیقات جنگ پرداخته است، لیکن احساس تکلیف می‌کند که اعتماد خوانندگان را جلب کند... آیا می‌توان هم به ارزش‌ها اتکا داشت و هم بی‌طرف بود، البته در علوم انسانی هیچ محقق

گام‌های اولیه تاریخ‌نگاری جنگ به شمار آید، اگر چه آن چه اکنون فراهم آمده از حیث آن که ملاحظه و مرور آن در آینده‌ای نه چندان دور و دیر، بخشی از تاریخ انکارناپذیر تاریخ‌نگاری جنگ محسوب می‌شود، اهمیت آن کم از اهمیت اطلاعات گردآمده در تاریخ‌نگاری‌های عمیق و مرسوم و متعارف نیست.

روایت و تأکید بر ملاحظات سیاسی است. به همین اعتبار تصور می‌شود تاریخ‌نگاری و رویدادنگاری جنگ در مرکز مطالعات و تحقیقات، ضمن اهتمام به شناخت گذشته، در گذشته‌نمانده و دچار بسته‌اندیشی نشده و به اقتضای مسایل حادث معطوف به گذشته (از جمله پیدایش پرسش‌های اساسی، علل تداوم جنگ پس از آزادسازی خرمشهر، اجتناب‌ناپذیری جنگ و...)، وضع حال را از نظر دور نداشته است.

از آن چه گذشت می‌توان چنین نتیجه گرفت که تاریخ‌نگاری جنگ تاکنون بیش‌تر به: بررسی پیدایش واقعه‌ای به نام جنگ و نگارش واقعه و شناساندن فنون مربوط به واقعه‌نگاری جنگ معطوف بوده است و در این میان سهم مباحثی که به فرایند تاریخی شدن جنگ و کشف قوانین حاکم بر آن اهتمام ورزیده باشند ناچیز است. دلایل بسیاری بر این کاستی غیر ارادی و غیر عامدانه می‌توان اقامه کرد که مهم‌ترین آن عبارت است از این که تاریخ‌نگاری جنگ، کارنامه‌ی جامعه‌ای خودباور است که حافظه‌ی تاریخی‌اش از تلخی شکست‌های مکرر و عقب‌نشینی‌های ناموجه و واگذاری خاک و خانه به دشمن، آزرده و زخمی نباشد. در خاطر چنین جامعه‌ای واکنش‌های منفی هم چون بی‌اعتنایی، سرخوردگی، روزمرگی، کاهلی و آسان‌خواری، جای تلاش و مقاومت و سرزندگی را می‌گیرد و آحاد مردم را به خودکم‌بینی و درماندگی دچار می‌سازد. با وقوع جنگ هشت‌ساله و دفاع مقدس، خودباوری به مثابه‌ی تجربه‌ای توأمان و پیوسته و هم‌بسته دفاع در ذهن و ذائقه‌ی تاریخی ایران زنده شد. تفاوت این تجربه، از هر حیث با تجربه‌های پیشین، مهم‌ترین سبب و انگیزه نگارش و ثبت لحظه‌های جنگ بوده است. با این همه بدیهی است مجموع تلاش‌های صورت‌گرفته در قیاس با آن چه باید و شاید،